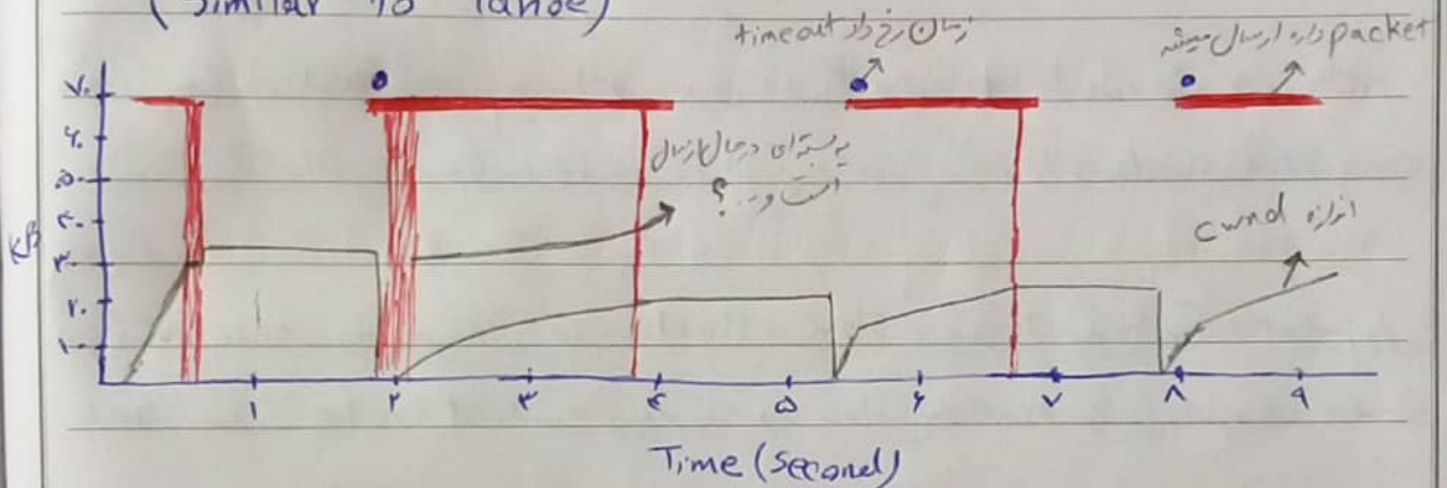


حاجه ۱۹ : * congestion در لایه transport در شبکه Top است
 (Application و UDP در شبکه)

Example: a trace of Tcp congestion control mechanism (similar to Tahoe)



"روش اسلاید های بعدی را نگاه کنید"

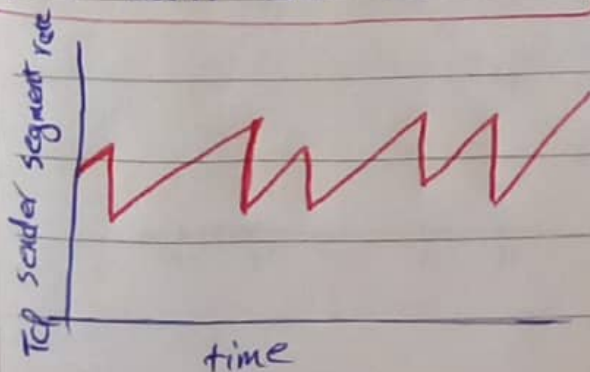
approach: senders can increase sending rate until packet loss (congestion) occurs, then decrease sending rate on loss event.

Additive Increase

increase sending rate by 1 maximum segment size every RTT until loss detected

Multiplicative Decrease

cut sending rate in half at each loss event



: AIMD

AIMD sawtooth behavior: probing for bandwidth

AIMD بر اساس افزایش و حفظ طرزی شده است.

distribute

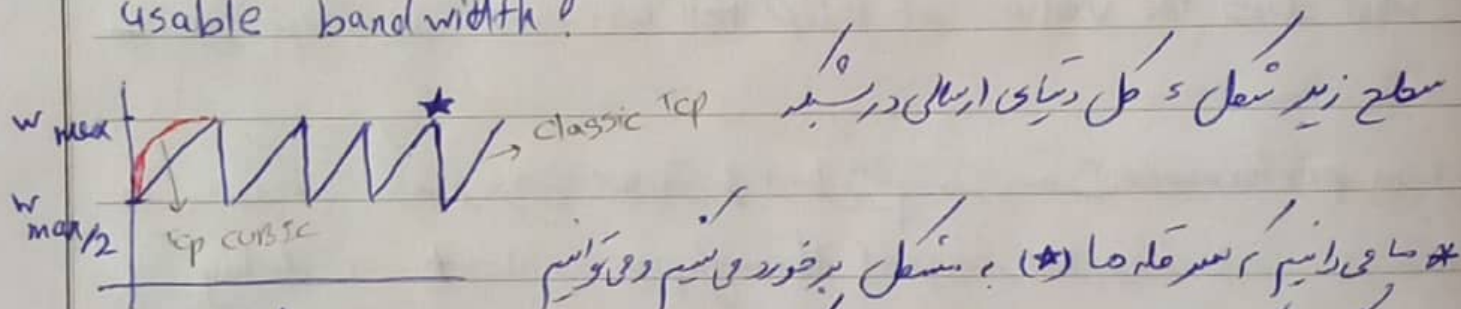
Device

۱. خاصیت مهم AIMD: به صورت distribute کار می کند و اینرسی وجود دارد. داشته باشد که هم به یک شکل رفتار کند و stable خواهد بود و مشکلی پیش نمی آید.

۲. مشکل stability هم ندارد (و نوی بهینه هم هست).
over flow

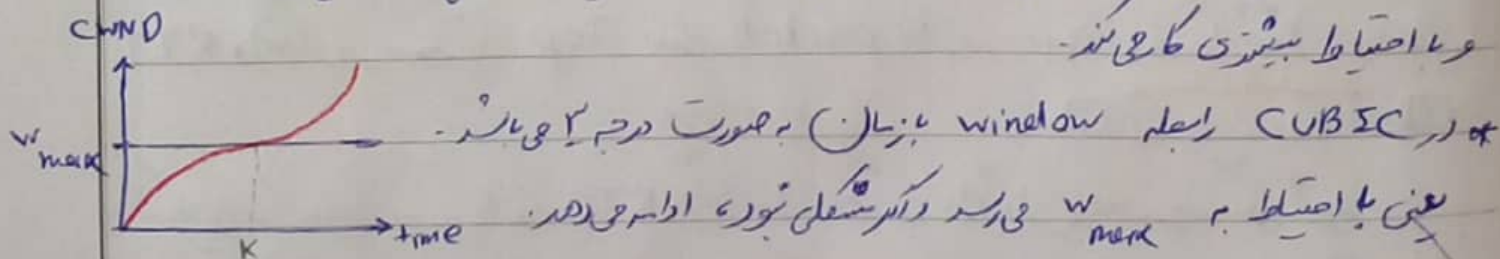
Top CUBIC

* is there a better way than AIMD to "probe" for usable bandwidth?



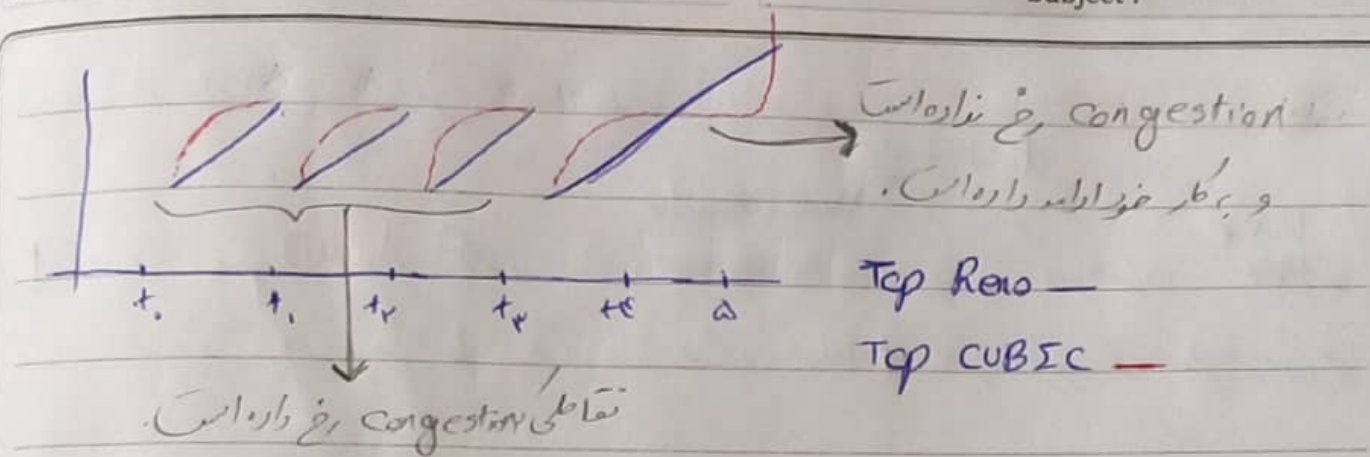
* ما می دانیم که سرعت ما (w) به شکل برخورد می کنیم و می توانیم تصمیم بگیریم که دیتاها را سریع تر ارسال کنیم (با ارسال نمایی). روشی ترکیبی *

می شود، شب کم می شود یعنی probe می کند. پس Congestion رخ می دهد یا نه؟
و با احتیاط بیشتری کار می کند.



$$cwnd(t) = C \times (t - K)^3 + w_{max}$$

هرچه فاصله بیشتر باشد و شروع سریع تر می شود و هرچه فاصله کمتر باشد (انتقال K): با احتیاط بیشتر و کندتر حرکت می کند.



* **Top CUBIC** در **linux** استفاده می شود.
و **windows 10**

* **Bandwidth-Delay product (BDP)** مهم *

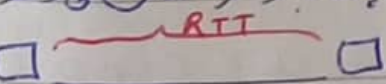
یکی از انگیزه های **Top CUBIC** ← **BDP** بوده است.

— معیار **BDP** چیست ؟ — **what does the value of BDP tell us?**

وقتی روی یک شبکه می خواهیم اطلاعاتی را ارسال کنیم وقتی بحث **performance** بود،
(**delay** ، **lost** ، **throughput**) معیارهای اصلی بودند.

حال اگر فرض کنیم شبکه مورد استفاده ما ، بهیای باند **RTT** و **شخص دارد** اگر بهیای باند شبکه را **W** در نظر بگیریم :

$W \times RTT$ در صورت **Tcp** مقدار **packet** ها در بهیای باند را نشان می دهد.



کتری شبکه ها وجود دارند $W \times RTT$ مقدار بزرگی بهیای باند محسوب می شود.
(بخصوص ، خاطر بزرگ بودن **RTT** که **delay** های زیادی متحمل می شود)

چالشی بوجود دارد: اگر **congestion window** را کوچک در نظر بگیریم وقتی می بینیم
فرض کنیم که از دست رفته اند و از **resource** ها هم استفاده ای نشده است !

اما ما می خواهیم از resource ها استفاده کنیم و سریعاً اعلام congestion کنیم!

مثلاً می خواهیم تعداد packet را در شبکه push کنیم و سریعاً هم timeout رخ داد

این موردی است که علاء الدین Top CUBIC رخ داده است، این شبکه ها

long-fast network (LFN) گفته می شود. شبکه های BDP بزرگی دارد
12.5 KB

و وقتی در اینده نرخ ها و فاصله ها بیشتر شود، روشی به نام CUBIC طراحی کردند تا resource

بیشتری استفاده کند.

این معیار بسیار مهمی است (BDP) که در بسیاری از طراحی ها استفاده می شود.

و در بسیاری از طراحی congestion control هم BDP مورد استفاده است. یعنی به نحوی

سایر Buffer را به توجه به RTT مشخص می کنند. و این معیار است برای طراحی های

advance تر در TCP.

ارسال اطلاعات

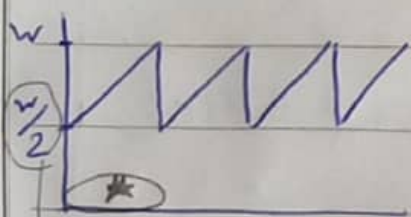
CUBIC در دهه اول به صورت حریصانه (aggressive) افزایش را انجام می دهد و وقتی به نقطه congestion نزدیک شود، از سطح حریصانه خود کم می کند.

- Fairness در CUBIC

- This allows CUBIC to behave fairly when competing with short-RTT flows, which will have Acks arriving more frequently.

در شبدهای RTT خیلی بزرگ در مقایسه با timeout رخ دهد و اینکه دیگر چیزی نفرستد، اما در قاعده short-RTT این کار را قبول نمی کند چون timeout دوباره رخ دهد و duplicate رخ دهد و بیشتر در حال ارسال short-RTT flow است. اما CUBIC این توانایی را ایجاد می کند که در زمانی که RTT بزرگ است و زمان رفت و برگشت طولانی است باز هم با لایتنر رفت و برگشت را انجام دهد و از resource بیشتری استفاده کند چون احتمال وجود timeout بیشتر است بنابراین در هر بازه اطلاعات بیشتری ارسال می کنیم.

- avg. TCP Reno throughput as function of window size, RTT?



فرض می کنیم در slow start و state ؟ هم وجود ندارد و به صورت AIMD run می شود.

- حقیقتاً اطلاعات در واحد زمان ارسال می شود؟

$$\text{Throughput} = \frac{\frac{w}{2}}{RTT} \quad \text{و} \quad \frac{w}{RTT}$$

$$\text{Throughput} = \frac{3}{4} \frac{w}{RTT} \quad \frac{\text{bytes}}{\text{sec}}$$

(*) ممکن است در این بازه خیلی RTT وجود داشته باشد.

Top splitting, optimizing The performance of cloud services

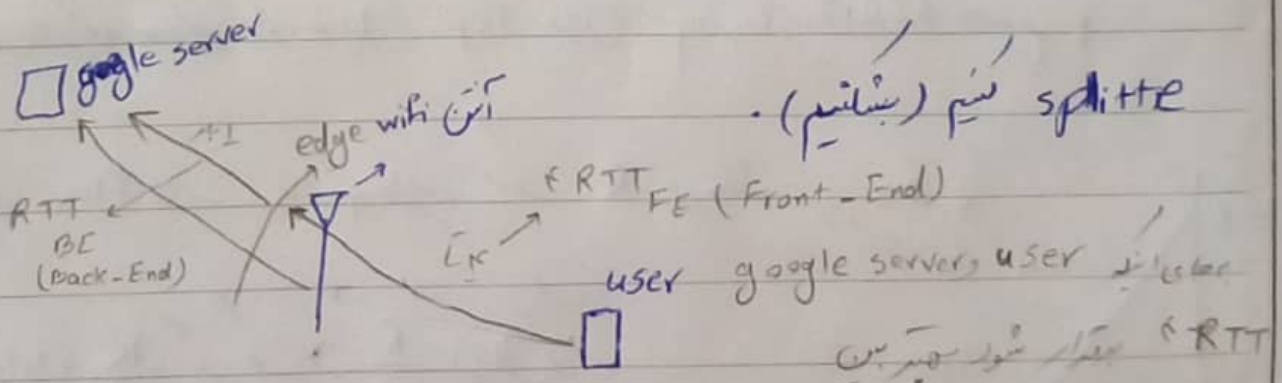
Top splitting: مثلاً وقتی می‌خواهیم به سرور وصل شویم و سرچ انجام دهیم.

برای اینکار، access point در دستگاه وصل می‌شویم، و بعد access point با سرور ارتباط برقرار می‌کند.

برای اینکار، RTT نیاز است و ابتدای اینکار هم با TCP connection باز شود، و بعداً

RTT مورد نیاز است. که ممکن است زمان زیادی نیاز باشد چون سرورها

در ۱۹ مورد قبلی وجود دارند. کاری نمی‌توان انجام داد این است، connection ها را



user و google server، RTT انجام شود و هر وقت به سرور مجدداً TCP connection

Edge (نقطه تقاطع)

google server Edge

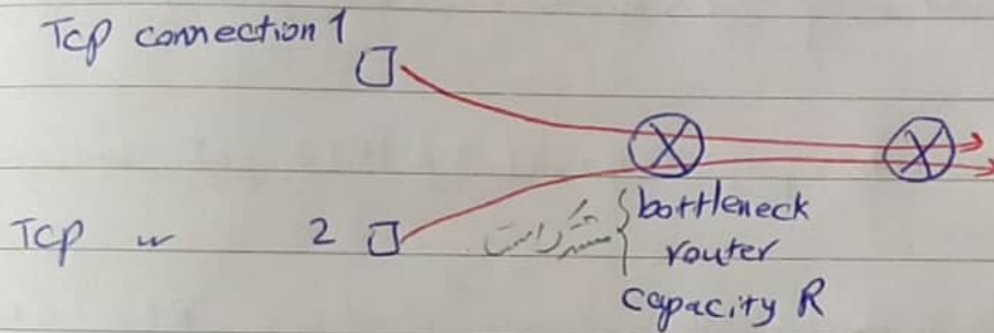
$$\text{delay} = RTT_{(BE)} + \epsilon RTT_{(FE)} + \text{processing time}$$

این کار انجام نمی‌شود، RTT (BE) داریم.

ACAMS و google این کار را انجام می دهند و ~~bing~~ [?] ~~bing~~ _{bing} سعی می کند انجام دهد ولی به نفع نمی رسد!

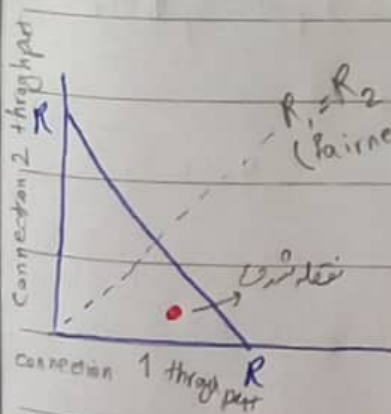
* TCP Fairness

- Fairness goal: چیزی Flow را به صورت عادلانه از شبکه استفاده می کند.



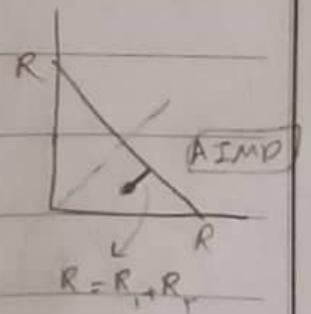
+ هر دو می توانند $\frac{R}{k}$ را در هر TCP به تقسیم کنند.

* برای تحلیل TCP فرض می کنیم در فاز AIMD هستیم:

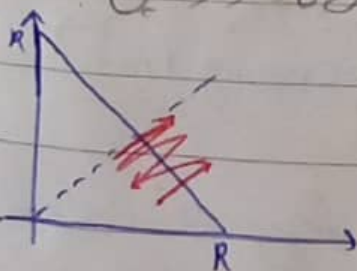


هر 2 Flow را به یک شکل و ظرفیت $\frac{R}{2}$ می بیند. R_1, R_2 (Fairness)

یعنی هر اندازه $\frac{R}{2}$ و به همین مقدار $\frac{R}{2}$ را به یک شکل می بیند.



وقتی congestion رخ دهد و سرعت کاهش یابد



کاهش می دهد و این کار را انجام می دهد

R_1, R_2 می بیند

TALASH TCP Reno Pair عمل می کند و اسکالری خوبی را بیند